

کودکان و مبنای دین

تحت چه بر نامه‌ای می‌توان مبنای دینی را ملکه‌اندیش آموزان ساخت! بلطوری که مصداق تعلیم و تربیت، او را جایزه عمل پیوشد؟! عمل

باید گذاران پرورش و آموزش این آینه‌ها، انصاف‌مندی کردند، بر نامه‌های پوششند و در چهارده پاره‌های مدارس تدریس کتابخانه‌ها را توسعه کردند. برای هر درسی، برای هر کتبی روش تدریسی و بالاخره مضمون و نظر گرفتند که آن‌ها را در ده ساله‌های هموار مستقیم و نزدیک به هدف، برای ترقی و تکامل نوجوانان کشور، بوجود آورده‌اند. ولی سرانجام پیشانی‌ها به سنگ خورد، امیدها سست یا سست شد و کاروان سرگردان نوجوانان، که به مشهورتر رسیده راهی کمی رفت با نجات و شکست اخلاق و فضیلت منتهی شد!

و شاید همین جهت بود که اخیراً از طرف یکی از مؤسسات تربیتی سؤالی از صاحب نظران شده بود که: «تحت چه بر نامه‌ای میتوان مبنای دینی را ملکه‌اندیش آموزان ساخت، بلطوری که مصداق تعلیم و تربیت، او را حاکم عمل پیوشد!»

ولی آینه‌ای که میخواهند بر نامه‌های تنظیم کنند که مبنای دینی را ملکه‌اندیش آموزان سازند و اصولاً آینه‌های فلسفه و هدف زندگی گردانند آنها را نمونه‌هایی از اخلاق و فضیلت و انسانیت بار آورند، باید باین نکته توجه کنند که علت عدم موفقیت مدارس کنونی در ملکه‌ساختن مبنای دینی این است که تعلیمات دینی را تلفیک و شیمی و... تدریس میکنند و بلکه بدتر!

لااقل برخی از مدارس، برای علوم و دروس تجزی - آزمایشگاه نیمه مجوزی دارند و بالاخره ولو بطور ناقص، درس چند علم و تخریبی، بخود می‌گیرند. در حالیکه درسی تعلیمات دینی این اندازه هم جنبه علمی و تجزی ندارد. فقط درس داد میشود و بعد هم بحق یا ناحق نمره قبولی! اما آنچه که واقعا هدف دین و تعلیمات دین است کمتر مورد توجه است که شاگرد اصولاً نماز می‌خواند یا نه روزی می‌گیرد دیانه متدبر می‌خواند بخنده و مغز ویات الکی هستی‌یانه و مبتلا با نخرافه‌های جنسی می‌باشد یا نه راستگو یا دروغگو است، و اگر راست یا نه، هرگز مباشرت

صحیح دارد یا ندارد و رفتارش در خانواده، خوب است یا بد، در عقاید دینی صف یا قصوری دارد یا نه و... در حقیقت، هیچ‌گونه توجهی به این مطالب نشده است.

بسیار اتفاقی افتاده است که برای مدرسه جدید، شاگردی پدر و مادر خود را اقبال کرده است که پدر سره و دینار تحصیل می‌رود. در سالی که بی‌عوسهای کباب و تمایلات بچگانه خود میدهد و آن نوجوان ناهماهنگی میان خانواده و مدرسه برقرار است که باین موضوع هیچ‌گونه توجهی نشده است!

با توجه با تشابهات و قهوه‌رونگران، خیلی خوب میشود بر نامه صحیح و مورد نظر را تنظیم کرد. یعنی باید کوشید تا تشابهات دیگران تکرار نشود و درس تعلیمات دینی، تنها از جنبه تئوری و آموزشی مورد توجه قرار نگیرد. بلکه برای تمام جنبه های زندگی شاگرد، که بطور جامع باین هم ارتباط دارد، ارزش و نمره‌ای قائل شد.

البته نباید فراموش کرد که: برای رسیدن بجنبش هدف بر رگی، مریبان، نیازی نبرم، به تکاری خانواده‌های نوجوانان و جوانان دارند و هیچگاه، مستقلا، باین هدف مقدس، نائل نخواهند شد. در مقالات قبیل، باین نکته اشاره شده است که دانشمندان بزرگ روانشناسی

معتقدند که شالوده شخصیت طفل تا سنین سه چهار سالگی، گذاشته میشود و در دوره های بعد، طفل همان حالات قبلی خود را ظاهر و آشکار می‌سازد. بدین معنی است که تغییر شخصیت بی‌ریزی - شد طفل و ایجاد الگوی جدید برای شخصیت او کاری بی شکل و دودار است بدون شک این شالوده، یعنی پایه گذاری بنسبت خانواده، صورت گرفته است. از اینرو نقش خانواده بسیار

مؤثر است و بر آن مرحله‌ای که در میان بخواهند مبنای دینی را ملکه طفل سازند، اگر الگوی شخصیت طفل بر این پایه کار، آمادگی داشته باشد، بقدر کار آسان است! و اگر آمادگی نداشته باشد، کار عمری دشوار خواهد بود. در هر صورت، مریب ناگزیر است که همواره بسا

توجه داشته باشد که در تمام ارتباط، باشد و طوری با خانواده، هماهنگی داشته باشد که کوچکترین تناقض میان رفتار و عقاید آنها، وجود نداشته باشد و گرنه کار مریب بی‌نتیجه خواهد بود.

آری، وسیع مریب و وسیع خانواده طفل، باید طوری باشد که واقعا طفل احساس کند که مریب و خانواده و اگر ممکن باشد اجتماع، از او یک جیره میخواهند و آنهم تطبیق اعمال و انبیا و اعتقادات خویش است. اینها ذات عالی و باله معنی می‌باشد جنین احساسی برای طفل سیاره و نور و برای مریب یک سود بخش است، همشما لاجظه کرده‌ایم که کودکان نو آموز - با شننای کودکان ممنوعه، که از این قاعده کلی، متابعل و جهاتی، مستثنی هستند - از همان روزهای

تحصیل که بمدرسه می‌روند، با اشتیاق تمام، تکالیف خود را انجام میدهند با آنکه قطعا به نتیجه و ثمره کار خود، پی برده‌اند و در حقیقت باید اذعان کرد که: طوطی وار مشق و تمرین میکنند،

اگر در باره این حالت ارزنده طفل، که بعد از معمولاً ادامه پیدا میکند، قدری بیندیشیم باین نتیجه میرسیم که طفل - که حقیقاً باید اعتراف کرد که در این باره اطراف و جوانب کار را در فکر بزرگان خود منجمیده - بازرنگی تمام، همچون یک حسابگر ماهر، احساس کرده است که سه عامل بزرگ یعنی خانواده که پناهگاه و کانون امیدهاست و مدرسه که راه ترقی و پیشرفت وی می باشد و اجتماع که برخی - خود را برای آن و برخی برای خود و برخی هر دو را میجویند و میگویند، بالاتفاق، از وی چنین انتظاری را دارند و اگر علاوه انتظار آنرا حاصل کند، ضرورتاً آنها خواهد بود. توجه باین مطلب، برای تربیان، از لحاظ شناسائی کودک و کشف طرق صحیح پرورش و آموزش، بسیار مفید است. در حقیقت برای تکمیل ساختن مبانی دینی و ایجاد عشق و علاقه و استواری بآن، باید بدون تعلل، برای طفل این چنین محیطی را بوجود آوریم.

پاره‌های از مدارس ملی که متکی بر مذهب هستند، تا حدی با ردوی خود رسیده اند و فارغ التحصیلان این مؤسسات، تا اندازه‌ای توانسته اند، شرایطی برای خود را تأمین نمایند. علت این است که طفلی که در چنین آموزشگاهها تحصیل میکند خود را با چنین انتظاری از طرف والدین و بزرگان و مدرسه مواجه می‌بیند و پاره‌های ندارد جز اینکه به ردوی آنها حتماً عمل بپوشاند.

نتیجه این است که در خصوص مبانی دینی، باید سعی کرد که واقعاً برای طفل چنین احساسی پیدا شود که: مری و خانواده و اجتماع، همه از این چیزی از او نمی‌خواهند، ولی با کمال تأمل باید اعتراف کرد که اجتماع با همه مظاهر کج و معوج و زشت و حیوانی زیادی خود را هر گز رویا در موارد بسیار با مری و خانواده، همکاری نخواهد کرد. تأسف بیشتر از این است که گاهی خود خانواده هم با مری در این باره همکاری ندارند و بدتر از همه آنکه، گاهی مری هم توجهی باین جهت ندارد.

در ملکه ساختن مبانی دینی، نباید از تأثیر مهم و بدون چون و چرای تشویق و پاداش و تنبیه (در صورت اجرای صحیح و مناسب آن) غافل بود. اتمام مراسم دینی، در صورتی که بتدریج و صحیح و حلال رهبری شود، اشتیاق بیشتری، در اطفال نسبت بآن مراسم، برمی‌انگیزد.

زندگی بدون این پنج چیز، گواران نخواهد بود:

امام صادق (ع) فرمود: هر گاه یکی از این پنج چیز، در زندگی کسی وجود نداشته باشد، عیش او منقض خواهد بود: سلامت، امنیت، بی‌نیازی، فناقت، رفیق موافق.

سفینه البحار ج ۲ ص ۲۵۱